**شوهرداری غذا پختن نیست**

**سخنان آیت الله خامنه‌ای درباره الگوگیری جوانان**

**رفتارمسوولانه یا بی تفاوت؟**

انسان دو گونه می تواند با این قضیه (همسرداری) برخورد کند: یکی مسوولانه، یکی بی تفاوت. مسوولانه هم انواع و اقسام دارد؛ با چه روحیه ای، با چه نوع نگرشی به آینده، آدم باید این خطوط اصلی را در آن شخصی که فکر می کند الگوی او می تواند باشد، جستجو کند و از آنها پیروی نماید.

دیدند که هیچ چاره ای ندارد، جز این که پیامبر و همه ی مجموعه ی دور وبرش را از مدینه اخراج کنند؛ همین کار را هم کردند. تعداد زیادی از اینها را که دهها خانوار می شدند و شامل پیامبر و خویشاوندان پیامبر و خود ابی طالب- با این که ابی طالب هم جزو بزرگان بود- و بچه و بزرگ و کوچک می‌شدند، همه را از مکّه بیرون کردند. اینها از مکّه بیرون رفتند؛ امّا کجا بروند؟ تصادفاً جناب ابی‌طالب، در گوشه‌ای از نزدیکی مکّه- فرضاً چند کیلومتری مکّه- در شکاف کوهی مِلکی داشت؛ اسمش «شعب ابی طالب» بود. جناب ابی طالب یک شعب داشت چقدر سختی کشیدند، چقدر محنت بردند، خدا می‌داند. یکی از دوره‌های سخت پیامبر، آن جا بود. پیامبر اکرم در این دوران، مسوولیتش فقط مسوولیّت رهبری به معنای اداره‌ی یک جمعیّت نبود؛ باید می توانست از کار خودش پیش اینهایی که دچار محنت شده‌اند، دفاع کند.

البتّه ایمان های قوی می ایستند؛ امّا بالاخره همه‌ی سختی‌ها به دوش پیامبر فشار می‌آورد. جناب ابی طالب که پشتیبان پیامبر و امید او محسوب می‌شد، و خدیجه‌ی کبری که او هم بزرگترین کمک روحی برای پیامبر به شمار می‌رفت، در ظرف یک هفته از دنیا رفتند! حادثه‌ی خیلی عجیبی است؛ یعنی پیامبر تنهای تنها شد.

فاطمه ی زهرا (سلام الله علیها) مثل یک مادر، مثل یک مشاور، مثل یک پرستار برای پیامبر بوده است. آن جا بوده که گفتند فاطمه «امّ ابیها»- مادر پدرش- است. این مربوط به آن وقت است؛ یعنی وقتی که یک دختر شش، هفت ساله این گونه بوده است. البتّه در محیط‌های عربی و در محیط های گرم، دختران زودتر رشد جسمی و روحی می‌کنند؛ مثلاً به اندازه‌ی رشد یک دختر ده، دوازده ساله‌ی امروز. این، احساس مسوولیت است. آیا این نمی‌تواند برای یک جوان الگو باشد، که نسبت به مسائل پیرامونی خودش زود احساس مسوولیت و احساس نشاط کند؟ آن سرمایه‌ی عظیم نشاطی را که در وجود اوست را خرج کند، برای این که غبار کدورت و غم را از چهره‌ی پدری که مثلاً حدود پنجاه سال از سنّش می‌گذرد و تقریباً پیرمردی شده است، پاک کند. آیا این نمی‌تواند برای یک جوان الگو باشد؟

**شوهرداری غذا پختن نیست**

انسان فکر می‌کند که شوهرداری، یعنی انسان در آشپزخانه غذا را بپزد، اتاق را تر و تمیز و پتو را پهن کند و مثل قدیمی‌ها تشکچه بگذارد که آقا از اداره یا از دکان بیاید! شوهرداری که فقط این نیست. شما ببینید شوهرداری فاطمه ی زهرا (سلام الله علیها) چگونه بود. در طول ده سالی که پیامبر در مدینه حضور داشت، حدود نه سالش حضرت زهرا  و حضرت امیرالمومنین (علیهما السلام) با همدیگر زن و شوهر بودند. در این نه سال، جنگ‌های کوچک و بزرگی ذکر کرده اند- حدود شصت جنگ اتّفاق افتاده- که در اغلب آنها هم امیرالمومنین (علیه السّلام) بوده است. خانمی است که در خانه نشسته و شوهرش مرتّب در جبهه است و اگر در جبهه نباشد، جبهه لنگ می ماند- این قدر جبهه وابسته‌ی به اوست- از لحاظ زندگی هم وضع رو به راهی ندارند؛ همان چیزهایی که شنیده‌ایم: و یطعمون الّطعام علی حبّه مسکیناً و یتیماً و اسیراً انّما نطعمکم لوجه الله؛(1) یعنی حقیقتاً زندگی فقیرانه‌ی محض داشتند؛ در حالی که دختر رهبری هم هست، دختر پیامبر هم هست، یک نوع احساس مسوولیّت هم می‌کند.

انسان چقدر روحیه‌ی قوی می‌خواهد داشته باشد تا بتواند این شوهر را تجهیز کند؛ دل او را از وسوسه‌ی اهل و عیال و گرفتاری‌های زندگی خالی کند؛ به او دلگرمی دهد؛ بچه‌ها را به آن خوبی که او تربیت کرده، تربیت کند. بر فرض که بگوییم حسنین معصوم بوده‌اند و طینت امامت داشتند؛ زینب (علیهاالسلام) که امام نبود. فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) او را در همین مدّت نه سال تربیت کرده بود. بعد از پیامبر هم که ایشان مدّت زیادی زنده نماند.

این طور محور زندگی فامیل ماندگار در تاریخ قرار گرفت. آیا اینها نمی‌تواند برای یک دختر جوان، یک خانم خانه‌دار یا مشرف به خانه داری الگو باشد؟

**زندگی امام جواد (علیه السلام) الگویی برای جوانان**

تقصیر ما متصدّیان این امور است. البتّه منظورم امور دولتی نیست؛ منظورم امور معنوی و دینی است آن چنان که باید و شاید، درست در مقابل نسل جوان قرار نداده‌ایم؛ امّا شما خودتان هم می‌توانید در این زمینه‌ها کار کنید. همه‌ی زندگی ائمّه از این قبیل دارد.
زندگی امام جواد (علیه السلام) هم الگوست. امام جواد (علیه السّلام)- امامی با آن همه مقامات، با آن همه عظمت- در بیست و پنج سالگی از دنیا رفت. آن بزرگوار، در دوران جوانی و خردسالی و نوجوانی، در چشم مأمون و در چشم همه، عظمتی پیدا کرد. اینها چیزهای خیلی مهمّی است؛ اینها می‌تواند برای ما الگو باشد.

**الگو گیری از جوانان بسیجی**

در زمان خودمان هم الگو داریم. امام الگوست. این جوانان بسیجیِ ما الگو هستند؛ هم کسانی که شهید شدند، و هم کسانی که امروز زنده‌اند. آن خاطره، عظمت این شخصیت را به انسان نشان می‌دهد. اینها می‌توانند الگو باشند. البتّه در شخصیت‌های علمی خودمان، در شخصیت‌های ورزشی خودمان، در شخصیت‌های ادبی خودمان. در شخصیت‌های هنری خودمان، می‌شود الگوهایی پیدا کرد؛ شخصیّت‌هایی که انصافاً برجستگی‌هایی دارند. هر الگویی که خواستید انتخاب کنید، معیار «تقوا» را در نظر داشته باشید. تقوا چیزی نیست که بشود از آن گذشت. برای زندگی دنیوی هم تقوا لازم است؛ برای زندگی اُخروی هم تقوا لازم است.

پاورقی:
1- سوره انسان،آیات8-9.

*منبع: کتاب پرسش و پاسخ (پاسخ به پرسشهای دانشجویان) /به کوشش: علیرضا مختارپور قهرودی، (متن کامل پاسخهای حضرت آیت الله العظمی خامنه ای(مدظله العالی) به پرسشهای دانشجویان در 9 دیدار (1382-1377(*